

## بازشناسی مؤلفه‌های شکل‌دهنده هویت ایرانی-اسلامی در خانه‌های تاریخی ایران

### چکیده

شکل‌گیری خانه در ایران از دیرباز مبتنی بر معیارها و نمادهای خاص خود بوده است. خانه ایرانی، موجودیتی ارزشمند است؛ برآورده‌کننده نیازهای ساکنانش و شکل گرفته بر پایه ارزش‌های کیهانی و جهات مقدس. با وقوع انقلاب صنعتی و شکل‌گیری ایدئولوژی مدرنیسم، ارزش‌هایی که شکل‌دهنده جهان آرمانی انسان سنتی بودند، به یکباره فرو ریختند و بازتاب آن در معماری به جدایی روح از ماده، باطن از ظاهر، کیفیت از کمیت و در نتیجه هویت از معماری انجامید. خانه ایرانی که زمانی نماد هویت ملت ایران بود به ساختمان‌های مکعب شکل یکنواختی تبدیل شد که بی‌توجه به فرهنگ، اقلیم، بینش شاعرانه-اساطیری و ارزش‌های دینی، در کنار یکدیگر قد برافراشتند و روزه‌روز چهره شهر را آشفته‌تر کردند. هویت که یکی از پرتنش‌ترین و پیچیده‌ترین مقوله‌های عصر حاضر است، نیرو محرکه این پژوهش است. در این پژوهش به بررسی ریشه‌های شکل‌دهنده هویت خانه ایرانی در گذشته پرداخته می‌شود تا با بازشناسی آن‌ها بتوان هویت بیمار، مخدوش و زیرسؤال رفته خانه معاصر ایرانی را اصلاح و درمان کرد. این پژوهش از نوع کاربردی-توسعه‌ای و روش انجام آن کیفی می‌باشد. چهارچوب نظری پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مرور اسناد مربوط به هویت و خانه ایرانی شکل گرفته است. نتایج بررسی به ارائه معیارهایی جهت باززنده‌سازی هویت ایرانی-اسلامی در خانه‌های معاصر می‌انجامد.

### اهداف پژوهش:

۱. شناخت شاخص‌های شکل‌دهنده هویت ایرانی-اسلامی در خانه‌های تاریخی ایران.
۲. شکل‌گیری خانه‌های معاصر بر مبنای الگوهای ایرانی-اسلامی.

### سؤالات پژوهش:

۱. مؤلفه‌های شکل‌دهنده هویت در خانه‌های تاریخی ایران کدام‌اند؟
۲. چگونه می‌توان هویت مخدوش‌شده خانه‌های معاصر را باززنده‌سازی کرد؟

**کلیدواژه‌ها:** هویت، بحران هویت، مدرنیسم، خانه ایرانی، مسکن.

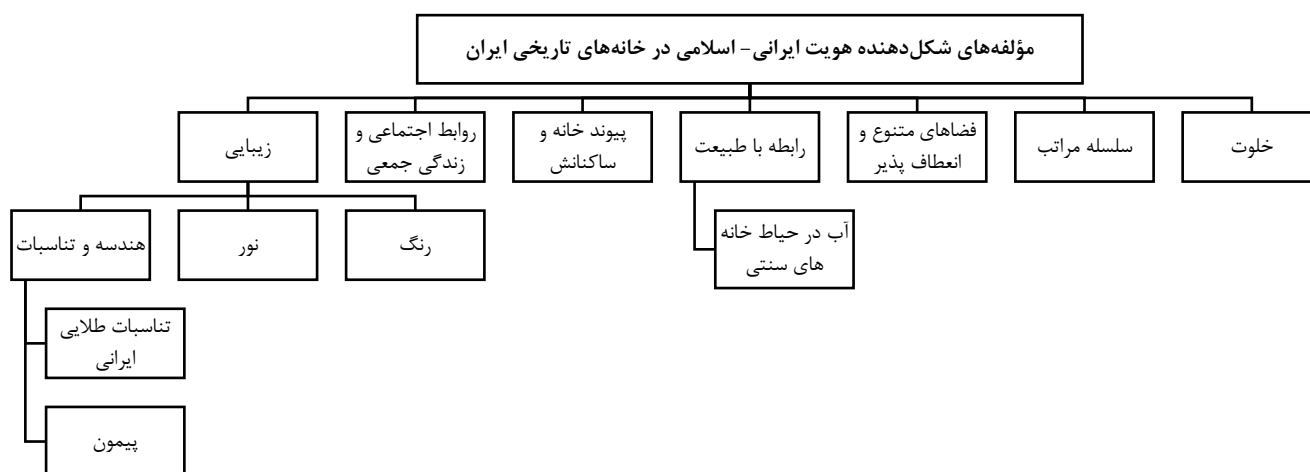
تولید خانه مسکونی در دهه‌های اخیر در شهرهای بزرگ ایران و به تدریج در تمامی رده‌های زیستگاه‌های کشور، وضعیتی بحرانی پیدا کرده است و این در شرایطی است که عامل‌ها و متغیرها، انگیزه‌ها و ریشه‌های این بحران به درستی شناسایی نشده‌اند (فلامکی، ۱۳۸۹: ۳۷۶). متأسفانه خانه‌های معاصر در ایران با پدیده بحران هویت روبه‌روست و خانه و شهرک‌های ساخته‌شده در حاشیه شهرهای ایران در دهه‌ها و سال‌های اخیر، از خصایص شکلی، فنی، کاربردی و جایگزینی محیطی‌ای برخوردارند که نه به فرهنگ سکونتی دیروز ساکنان آن‌ها مبتنی است، نه اقتباسی است از روال و روش و مدل خانه‌سازی در کشورهای جهان سوم و نه بر مبنای تصور و تجسم فضایی ویژه‌ای است آرمانی (فلامکی، ۱۳۸۵: ۴۴). در واقع وقتی پدیده‌ای را دارای هویت احساس می‌کنیم که توقعات ما را برآورده سازد. برای مثال، همه انسان‌ها انتظار دارند که خانه‌شان به صورت فیزیکی و روانی پناهگاه آن‌ها باشد و امنیت و آسایش را برایشان فراهم آورد. حال اگر سرپناهی که در آن زیست می‌نمایند، این توقع را برآورده سازد، به آن نام خانه اطلاق می‌کنند و این نامگذاری، سرپناه مذکور را واجد هویت خاص خود می‌گرداند» (قاسمی اصفهانی، ۱۳۹۴: ۶۱). هویت مکان<sup>۱</sup> بخشی از هویت شخصی است و قسمتی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی او را می‌سازد، مکانی است که در آن زندگی و فعالیت می‌کند. بنابراین با احراز هویت مکان، فرد احساس هویت می‌نماید.

انگیزه اصلی برای شناخت موضوع، دستیابی به ارزش‌هایی است که معماری می‌تواند به میدان زندگی سکونتی شهرنشینان کشور، در مقیاس محله‌های مسکونی شهرها، عرضه بدارد. گذار از خانه‌های مبتنی بر روابط سنتی و ارزش‌های مقدس به خانه‌هایی که ساده‌ترین شکل خانه‌سازی‌های جاری در سایر کشورها را می‌نمایند، امری است که می‌تواند نمایانگر بحران کنونی در امر خانه‌سازی به مقیاس‌های محله و شهر در ایران به شمار رود و ثمر آن، خانه‌هایی است که به صورتی پرشمار و به دور از هویت مطلوب محلی در همه سطوح نوساخته شهر دیده می‌شود.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است. با این حال آثار متعددی به بررسی بحران هویت در معماری معاصر پرداخته‌اند. این پژوهش از نوع کاربردی-توسعه‌ای و روش انجام آن کیفی می‌باشد. چهارچوب نظری پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مرور اسناد مربوط به هویت و خانه ایرانی شکل گرفته است. برای سنجش هر یک از مؤلفه‌ها از تکنیک‌های مختلف مصاحبه، مشاهده عینی، مرور نوشتارها، اسناد، تحلیل نقشه‌های مربوط و سایر تکنیک‌های تجربی استفاده شده است. نتایج بررسی به ارائه معیارهایی جهت باززنده‌سازی هویت ایرانی-اسلامی در خانه‌های معاصر می‌انجامد.

## نتیجه‌گیری

با بررسی و غور در معماری خانه‌های سنتی ایران این نتیجه حاصل شد که هویت در خانه‌های مزبور از اجزایی تشکیل گشته که بدون آن‌ها دیگر خانه مفهوم واقعی خود را نداشته و تنها به یک سرپناه تنزل می‌یابد. صحبت از خانه یعنی صحبت از فرهنگ، خاطره، سنت و هر آنچه پایه‌های هویتی یک قوم را شکل می‌دهد. زیرا هیچ فردی بدون خانواده و هیچ خانواده‌ای بدون خانه‌ای که در آن ساکن است، معنا نمی‌یابد و خانه مأمونی است برای بشر تا در آن بتواند آرامش یابد و خستگی از تن برهاند؛ با اعضای خانواده و دوستان و اقوام به گفت‌وگو پردازد؛ با خود و خدایش خلوت کند و با نگاه به سبزه و آب و قدم زدن در حیاط، جان دوباره بیابد؛ این درست نقطه مقابل خانه‌های معاصر ایران است که تقریباً به هیچ‌کدام از خواسته‌های مادی و روحی بشر پاسخ مناسب و درخور اشرف مخلوقات نمی‌دهند. گویی زنبور عسل خلوت و جمع‌دانشین‌تری دارد و در عین حال هندسه و زیبایی را به شکل خلاقانه‌تری در خانه‌اش به نمایش گذاشته است. نتیجه آنکه نمی‌توان از این دانه‌های شهری توقع خانه‌ای اصیل داشت و نمی‌توان از فردی که در خانه‌ای نه‌چندان بی‌شبهت به قوطی کبریت‌های سوار برهم زندگی می‌کند و از ابتدایی‌ترین تسهیلات همچون آرامش، آسایش، امنیت و دنجی بهره‌مند نیست، توقع آرامش و رشد معنوی داشت. در این پژوهش با بررسی کالبد شکافانه مؤلفه‌های شکل‌دهنده هویت در خانه‌های سنتی ایران، سعی بر آن بود که «خانه» و «هویت»، این دوگانه آشنا در گذشته و ناآشنای امروز را بار دیگر آشتی داده و در این راستا نموداری برای رسیدن به آرمان فوق ارائه می‌گردد:



نمودار ۱. مؤلفه‌های شکل‌دهنده هویت خانه ایرانی

فهرست منابع و مآخذ

- ابوالقاسمی، لطیف. (۱۳۸۵). هنجار شکل‌یابی معماری اسلامی ایران به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران: انتشارات سمت.
- ارژمند، محمود؛ خانی، سمیه. (۱۳۹۱). «نقش خلوت در معماری خانه ایرانی»، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی، دوره ۲، شماره ۷، ۲۷-۳۸.
- بلخاری قهی، حسن. (۱۳۸۴). مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی، تهران: انتشارات سوره مهر.
- بمانیان، محمدرضا. (۱۳۸۱). «مقدمه‌ای بر نقش و کاربرد پیمون در معماری ایرانی»، نشریه مدرس هنر، دوره ۱، شماره ۱، ۱-۱۰.
- بودریار، ژان. (۱۳۷۴). مدرنیته، ترجمه ترانه یلدا، تهران: انتشارات مرکز.
- بورکهارت، تیتوس. (۱۳۶۹). هنر مقدس: اصول و روش‌ها، ترجمه جلال ستاری، تهران: انتشارات سروش.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۲۴). نهج‌الفصاحه، جلد ۱، تهران: انتشارات جاویدان.
- پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۷۸). تحقیق در گذشته معماری ایران، تهران: انتشارات سروش دانش.
- جهانبگلو، رامین. (۱۳۸۴). بین گذشته و آینده، تهران: انتشارات نی.
- حائری مازندرانی، محمدرضا. (۱۳۸۸). خانه، فرهنگ، طبیعت، تهران: انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- حجازی، مهرداد. (۱۳۸۷). «هندسه مقدس در طبیعت و معماری ایرانی»، نشریه تاریخ علم، دوره ۶، شماره ۷، ۴۴-۱۷.
- طاهباز، منصوره و دیگران. (۱۳۹۴). «تأثیر طراحی معماری در بازی نور طبیعی در خانه‌های سنتی ایران»، نشریه معماری و شهرسازی آرمانشهر، شماره ۱۵، ۸۱-۷۱.
- علی‌آبادی، محمد. (۱۳۸۶). «هندسه جاویدان در معماری اسلامی»، نشریه بین‌المللی علوم مهندسی، شماره ۵، ۱.
- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۸۵). شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب، تهران: انتشارات فضا.
- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۸۹). گستره‌های معماری، تهران: انتشارات فضا.
- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۸۶). مجموعه مقالات اولین سمینار وجود و آینده مراکز مسکونی تاریخی، چاپ دوم، تهران: انتشارات فضا.
- قرآن کریم. (۱۳۸۹). ترجمه حسین انصاریان، قم: انتشارات آیین دانش.
- نایی، فرشته. (۱۳۸۱). حیات در حیاط، تهران: انتشارات نزهت.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۴). جایگاه طبیعت و محیط زیست در فرهنگ شهرهای ایرانی، تهران: دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات.
- رازی، نجم‌الدین. (۱۳۶۶). برگزیده مرصادالعباد. جلد دوم، مشهد: انتشارات توس.
- شایگان، داریوش. (۱۳۸۰). افسون‌زدگی جدید، هویت چهل تکه و تفکر سیار، ترجمه فاطمه ولیانی، تهران: انتشارات فرزانه روز.
- شایگان، داریوش. (۱۳۸۸). بت‌های ذهنی و خاطره ازلی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- Alexander, C. (۱۹۷۷). A Pattern Language, Oxford University Press, New York
- Barton, H. (۲۰۰۳). Shaping Neighborhoods: A Guide for Health, Sustainability and Vitality, London: Spon Press Buchanan, Peter, Regional Identity, Only Connect, The Archi.
- Corbin, H. (۱۹۸۳). Cyclical Time and Smaili Gnosis, London.

- Cown, (٢٠٠٥). The Dictionary of Urbanism, London. Street Wise Press
- Domer, D. (١٩٨٩). The Old and New of Vernacular Architecture: A Review Essay, JAE, Vol. ٤٢, No ٤
- Le Corbusier. (١٩٨٦). Towards a New Architecture, Mineola, NY: Dover Publications, Inc.
- Louis, Saver & Arbour, Daneiel & Associates. (١٩٨٩). Joining old & new: Neighbourhood Planing and Architecture for city Revitalizatio,(online)[http:// Lasur.epfl.ch/revue,S aver. Pdf.](http://Lasur.epfl.ch/revue/Saver.Pdf)
- Martin H. (١٩٦٢). Being and Time, transl.John Macquaric & Edward Robinson, New York, Harper & Row
- Miller, W. (١٩٨٦). Vernacular Influences in Modern Finish Architecture, in Saile, David G, Architecture in cultural change: Eassays in Built Form & Cuiture Research, The University of Kansas, Lawrence.
- Moore, Ch. (١٩٧٤). The Place of House, USA, California, Uni- versity of California Press
- Newman,O. (١٩٧٢). Defensible Space: People and design in the violent city, New York: Macmillan
- Rapoport, A. (١٩٧٥). Toward a redefinition of density, Environment and Behavior
- Rapoport, A. (١٩٦٩). House Form and Culture, USA, Prentice Hall publications
- Schoenberg, S. (١٩٧٩). Criteria for the evaluation of neighborhood viability in working classand low income areas in core cities, Social Problems,No ٢٧.